



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



2024/08/19

ناصر اوریا

## سخنی به مناسبت خاطرۀ تابناک ۱۹ اگست ۱۹۱۹ د ۱۹۱۹ د اگست ۱۹ خُلانده خاطرې په اړوند څو خبرې

پوسلم علم دین وزیر، امام فخر رازی شه دلی چون درغل کوئید، امان الله غازی شه  
د زمري ۲۸ د خپلواکي ۱۰۲ کليزه



در هند بریتانوی مردم از شاه امان الله استقبال بی سابقه و شاهانه نموده و با سروده فوق شاه جوان را با عالم جید شافعی، امام فخر رازی مقایسه کرده، ستودند.

روایت است که شاه امان الله هنگام سفرش به اروپا در موزیمی در لندن به نوشته تابلوی شخص سوار بر اسب خیره مینگریست و با دقت آنرا می خواند.

مهماندار انگلیس اش ظاهراً با شوخی ولی کنایه آمیز گفت:

این تصویر داکتر برآیدن است که توانست زنده از دست افغان ها فرار نماید.

شاه امان الله پاسخ بالمثل داد و گفت:

هویت شخص را جستجو نمیکنم بلکه می پالم اگر در نوشته از نسل و نسب اسب ذکری شده باشد!

میخواهم بدانم که اسب از چه نسلی بوده که توانسته این متجاوز به وطن ما را را زنده فرار دهد.

جنگ و کشتار یک پدیده شوم است و قتل و غارت ملت ها به هر شکل آن ناپسند است و قبیح، از جانب هرکس و تحت هر عنوانی که باشد. استعمار، بخصوص کلونیالیزم انگلیس در قرون متوالی سرمایه های مادی کشور های

زیادی را چپاول و ثروت های معنوی شان را تاراج کرد و این پروسه دارد.

استخدام قوای بشری کشورهای مستعمره و استعمال آنها علیه مردم خودشان و علیه ملت های دیگر یکی از اعمال غیر انسانی استعمار بوده و هست.

در ذهن انسان سوالی خلق میشود که :

چطور چند هزار نفر قوای مهاجم انگلیس هزاران کیلومتر دور از انگلستان با استفاده از منابع طبیعی و استخدام نیروی بشری کشورهای مستعمره، توانست نیم قاره هند و اکثر کشورهای آسیایی و افریقایی را اشغال و مقهور خود

ساخته و به تاراج سرمایه های مادی و معنوی آن ها بپردازد؟

آیا در تمام این کشورهایی که صدها میلیون انسان زندگی میکردند و میکنند، چند نفری پیدا نمیشد که با بیدارگری ملت ها، و ایستادگی مقابل این پارازیت های چپاولگر مانع این متجاوزین مفتخوار میشدند و یا شوند؟

استعمار، بخصوص انگلیس ها، با استخدام یک تعداد مردم بومی به حیث قوای جنگی و در عقب آن از قوه ای به نام کمپ فالورز (Camp Followers) در درازنای تاریخ استفاده غیر اخلاقی نموده است .

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاډونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاډوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

در قرن ۲۰ و ۲۱ استعمار این اجیران را به شکل و فورم جدید، بنام احزاب و تنظیم ها در کشورهای مختلف سازمان داده که با استخدام چند بیگانه پرست تحت نام ایدیولوژی چپ یا راست، ملت های خود را در بست به استعمار تسلیم و بر علیه مردم و ملت های خود با آنان همدست شده اند .

استعمار با بکار بستن خدعه و فریب و کمک وسایل ارتباط جمعی، این بی وطنان اجیر را که نه دانشی از تاریخ و جغرافیای خود دارند و نه آگاهی از فرهنگ و گذشته ملت های خود، به شهرت کاذب رسانیده و از آن ها ببر های کاغذی میسازند. در مقابل این اجیران در خدمتگزاری به اجانب با استفاده از احساسات و عواطف انسانی مردم، دام های شکار انسان می گسترند و بهترین فرزندان خوشباور این سرزمین ها را که میتوانند خدمات بزرگی به مردم و کشورهای خود انجام دهند، را به دام می کشند.

با این کار آنهایی را که میتوانستند در اعمار میهن خویش رول سازنده و مؤثر را بازی نمایند شستشوی مغزی نموده، آن ها را به هیولاهای ضدمردم و خادمان بیگانه تبدیل می نمایند.

البته برای انجام این مأمول از هر وسیله ممکن منجمله استفاده از عقاید و باور های پاک مردم، رنگ، نژاد، قوم، لسان، منطقه و ... را که در واقع تنوع، عامل زیبایی و رنگارنگ بودن است، به وسیله نفاق و شقاق بین انسان های ساده دل تبدیل نمایند.

یکی از سران استعمار انگلیس بنام چرچیل که خود در "سرحد شمال غرب" در نیم قاره هند جنایات بزرگی را مرتکب گردیده، فارمول استعمار ملت ها را "داشتن اقلیت خائن و اکثریت بی تفاوت" میداند.

مثال های از این دست را در چهار دهه اخیر در کشور خود و در طول قرن ها در کشورهای آسیایی، آفریقایی و امریکای لاتین شاهد هستیم.

باید گفت که اکثریت مردم کشور های استعمارگر نیز مثل دیگران انسان های خوب اند و صرف یک اقلیت محدود در جهان است که بشریت را به نفع خویش علیه یکدیگر به نزاع و جنگ وامیدارند و خود سرمایه های رویایی می اندوزند .

اما در واقعیت این چپاولگران شیک پوش نیز به جز سرمایه مادی از خوشبختی واقعی هیچ بهره ای نمیبرند.

این نیروهای استعمارگر، هر انسان آزاده ای را که در راه بیدارسازی و روشنگری و رفاه مردم خود تلاش نماید با سواستفاده از باورها و ساده گی ملت ها، مردم خودش را بر علیه آنها می شورانند و آنها را نابود میسازند.

شاه امان الله مثالی از رهبرانی است که در نیمه اول قرن ۲۰ دیو استعمار توانست وی را توسط مردمش، مردمی که وی در تلاش ساختن زندگی انسانی و مرفه برایشان بود، شکست داده و به ترک وطن مجبورش سازد.

با تأسف که ما بار بار این اشتباه را تکرار می نمائیم و هیچ درس عبرتی نمی گیریم.

نابوده دی وی ناپوهی \* نابود باد جهل